

مفهوم تاریخی پیروزی در ویتنام

از لحاظ تاریخی، پیروزی انقلاب ویتنام و شکل معین وقوع آن، ترکیبی است از تمامی تغییراتی که در سراسر دنیا در خلال بیست و پنج- سی سال گذشته روی داده است.

این پیروزی بیش از هر چیز تجلی گر تغییر در تناسب جهانی نیروها میان سرمایه و کار، یا به معنای دقیق تر میان امپریالیزم و کلیه نیروهای ضدامپریالیستی، از زمان پایان جنگ جهانی دوم و پیروزی انقلاب چین، که محاصره ی کاپیتالیستی گرد اتحاد جماهیر شوروی را درهم شکست، می باشد. این پیروزی بیانگر مد انقلاب جهانی است، که در تباین چشم گیری با عقب نشینی دوره ی ۴۳- ۱۹۲۳ قرار دارد.

بدیهی است، این صعود انقلاب جهانی در تمام نقاط دنیا موزون و همگون نیست. پس از نخستین سال های دوران بعد از جنگ، با استحکام نسبی امپریالیزم در اروپای غربی، ژاپن و دیگر کشورهای امپریالیستی توأم بود، بالاخص بعد از خیانت رهبری های استالینیستی و رفرمیستی به فرصت های انقلابی سال های ۴۸- ۱۹۴۴ در اروپای کاپیتالیستی. در اوآن سال ۱۹۶۵ شکست های خونین و مرگباری در چندین کشور شبه مستعمره (از شکست اندونزی و برزیل تا شکست در شیلی) به وقوع پیوست، این شکست ها با تعرض وحشیانه ی امپریالیزم علیه هندوچین و عدم توانایی جنبش ضدامپریالیستی، تحت رهبری استالینیستی، در واکنش سیاسی و

بین المللی به نحو لازم، بدون ارتباط نبود. ولی مدّ جدید مبارزات کارگری و انقلابی در اروپا، که مه سال ۱۹۶۸ مظهر آن است، صعود جنبش ضد جنگ در ایالات متحده و ظهور پیشگامانی نوین که تحت تأثیر انقلابات کوبا و ویتنام پدیدار گشته بودند، به نوبه ی خود سهم پرارزشی در تغییر تناسب جهانی نیروهای طبقاتی به عهده داشتند، که در تحلیل نهائی پیروزی ویتنام فرآورده ی آن می باشد.

علاوه بر این، این پیروزی بیان کننده ی دگرگونی تناسب نیروها میان توده ها در یک سو و دستگاه های بورکراتیک در سوی دیگر می باشد، که نتیجه ی منطقی آن تغییر در تناسب نیروها میان این دستگاه ها و پیشگام است که درون جنبش توده ای خود را از قید کنترل آنان آزاد گردانده است. از این لحاظ، مقایسه میان انکشاف جنگ داخلی اسپانیا با جنگ داخلی ویتنام بخصوص آموزنده است. در اسپانیا استالینیست ها و فرمیست ها (با همدستی وزیران بورژوائی که رهبران آنارشیست اسبق بودند) در مدت کمتر از یک سال موفق شدند جریان انقلاب اسپانیا را در جهت مجراهائی که هدف آن تجدید بنای دولت بورژوائی می بود، معطوف سازند و بدین سان به درهم شکستن انقلاب و شکست آن به دست فاشیزم منتهی گردید؛ ولی پانزده سال اختناق در هندوچین- آشکار و نهان؛ خونین و "مسالمت آمیز"، نظامی و دیپلماتیک- عاجز از ممانعت براندازی دولت و جامعه ی استثمارکنندگان به دست توده ها بود. رهبران استالینیستی و سوسیال دمکرات، که تقریباً بر جنبش نیرومند جهانی همبستگی با پرولتاریای اسپانیا کنترل تام داشتند، توانستند از جنبش سوءاستفاده کرده، و در حقیقت آن را در خدمت فرو نشانند انقلاب وادارند؛ ولی جنبش ضد جنگ و جنبش همبستگی با انقلاب ویتنام که در همان قدرت و عمومیت بود، از چنین کوشش هائی برای تحت نفوذ درآوردن آن عمدتاً جان به در برد. این جنبش ها حتی به عامل کلاً مستقلی تبدیل شدند که بطور مثبت بر سرنوشت جنگ تأثیر گذاشتند.

ولی شکل مشخصی که پیروزی انقلاب به خود پذیرفت. متلاشی شدن رژیم های تئو و لان نل هفت سال بعد از تهاجم تیت در کشورهای پوشیده از ویرانی و در آستانه ی قحطی، شرایطی که شدیداً برای اعوجاج بورکراتیک دولت های کارگری نوین در فراشد تولدشان مساعد می باشد. نه فرآورده ی تصادف بود و نه نتیجه ی واجب قدرت عظیم "تشویق به انصراف ضدانقلابی" ای که هنوز تحت فرمان امپریالیزم قرار داشت. بیش از هر چیز بیانگر میزان کنترلی است که دستگاه های بورکراتیک هنوز بر جنبش های کارگری و ضدامپریالیستی در سراسر دنیا حفظ کرده اند، بیانگر فقدان اعتصابات عمومی و تحریم تعمیم یافته در پاسخ به تعرض امپریالیزم، فقدان همکاری مؤثر بین المللی جنبش های توده ای انقلابی، فقدان بین الملل انقلابی توده ای است. بیانگر تداوم بحران عامل ذهنی، اگرچه به شکل خفیف تر از گذشته، اقلأ در برخی از کشورها می باشد. از این رو، در تحلیل نهائی، شکلی که پیروزی انقلاب ویتنام به خود گرفت تجلی گر این واقعیت است که صعود جدید انقلاب جهانی در حال حاضر هنوز جزئی و پراکنده است، که این صعود جدید هنوز برای درهم شکستن قطعی نقش محافظه کارانه ای که دستگاه های بورکراتیک درون نهضت توده ای ایفا می کنند، ناپسند است.

ماهیت حزب کمونیست ویتنام خود هم انعکاس و هم عنصر تشکیل دهنده ی کلیه این تغییرات می باشد. حزب کمونیست ویتنام را حزب استالینیستی خواندن، بدین معنا که روی هم رفته اثر سیاست آن در مقیاس جهانی ضدانقلابی می باشد، با در نظر گرفتن ترانامه ی پانزده سال گذشته ی دومین جنگ هندوچین آشکارا هجو است. اظهار این امر که حزب کمونیست ویتنام "بطور قطعی در جبهه ی نظام بورژوایی گام نهاده" هذیان گوئی است. بورژوازی ویتنام با پای خود (با فرار خود) چنان جوابی به این تز مضحک داده است که جای تردیدی در باره ی محتوی طبقاتی انقلابی که صورت می گیرد و دولت نوینی که در حال بنیان گذاری است، باقی نمی گذارد.

اما این واقعیت که حزب کمونیست ویتنام آشکارا نه استالینیست و نه ضدانقلابی است، به هیچ وجه بر این امر دلالت نمی کند که حزب مارکسیست انقلابی است یا که مشعل دار دمکراسی پرولتاریائی، و اعمال قدرت مستقیم به دست پرولتاریا و دهقانان تهیدست سازمان یافته در شوراها می باشد، یا بر این که بدیهاً انترناسیونالیست است. این ترز که در هیچ کشور دنیا، تحت هیچ شرایطی و برای هیچ مدتی رژیم طبقات صاحب- مال نمی تواند برانداخته شود مگر این که یک حزب مارکسیستی انقلابی در رأس توده ها جای گیرد، زیاده ساده کردن نارس و مکانیک وار تئوری لنینیستی سازمان می باشد. از کمون پاریس تا پیروزی های انقلابات یوگسلاوی، چین و ویتنام شمالی تا پیروزی انقلاب کوبا شاهد بوده ایم که انقلابات ظفرمند سوسیالیستی، رژیم سرمایه داری را تحت رهبری دسته ها یا احزابی برانداختند که همگی دارای سه خصوصیت مشترک بوده اند: خصوصیت سیاسی از نظر عینی پرولتاریائی آنان، انتخاب آنان به نفع انقلاب در لحظات تعیین کننده، و بدین سان بریدن از استراتژی ها و تاکتیک های ضدانقلابی، و نابسندگی های برنامه ای آشکارشان، که در تمامی موارد به اعوجاج سخت بورکراتیک منتهی گردیده، به استثنای کمون پاریس که به شکستی سریع منتهی گردید.

این پدیده ی احزاب واقع در نیمه راه میان بورکراسی کارگری و توده های پرولتاریائی، در نیمه راه میان استالینیزم و مارکسیزم انقلابی، به نوبه ی خود از ضعف هنوز بسیار شدید عامل ذهنی در مقیاس جهانی ناشی می شود. این خود در تحلیل نهائی بازتابی است از شرکت هنوز محدود پرولتاریای کشورهای پیشرفته صنعتی در فعالیت های انقلابی و تأخیر پیروزی انقلاب سوسیالیستی در مهم ترین کشورهای امپریالیستی، حال آن که بحران جهانی و تلاشی سیستم امپریالیستی ادامه دارد و ژرف تر می گردد. ولی متقارن با تفصیل موجبات این پدیده ی بخصوص، که ویتنام آن را حتی بارزتر از کوبا آشکار نمود، ما می توانیم محدودیت های تاریخی و

شرایط مقدماتی برای غلبه بر آن را ترسیم کنیم: مدّ جدید انقلاب جهانی که پرولتاریای صنعتی را در کانون فعالیت های انقلابی بین المللی قرار می دهد، یک جهش نوین در جهت بنای بین الملل چهارم از طریق فرا روئیدن آن به یک بین الملل انقلابی توده ای مرکب از احزاب انقلابی توده ای.

ارنست مندل

بیست ژوئیه ۱۹۷۵

منبع: کندوکاو

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.javaan.net/nashr.htm>

آدرس پستی: BM IWSN, London WC1N ۳XX, UK

ایمیل: yashazarri@yahoo.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۵